ماضی	مضارع	امر	مصدر
تَشابَهَ: همانند شد	يَتَشابَهُ: همانند می‌شود	تَشابَهْ: همانند شو	تَشابُه: همانند شدن
فَرَّحَ: شاد کرد	يُفَرِّحُ: شاد می‌کند	فَرِّحْ: شاد کن	تَفريح: شاد کردن
جالَسَ: همنشینی کرد	يُجالِسُ: همنشینی می‌کند	جالِسْ: همنشینی کن	مُجالَسَة: همنشینی کردن
أَخْرَجَ: بیرون آورد	يُخْرِجُ: بیرون می‌آورد	أَخْرِجْ: بیرون بیاور	إِخْراج: بیرون آوردن

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ:

ترجمه کن فعل ها را.

تَرجِمِ الْأَفعـالَ.

ماضی	مضارع	امر	مصدر
تَعامَلَ: دادوستد کرد	يَتَعامَلُ: دادوستد می‌کند	تَعامَلْ: دادوستد کن	تَعامُل: داد و ستد کردن
عَلَّمَ: یاد داد	يُعَلِّمُ: یاد می‌دهد	عَلِّمْ: یاد بده	تَعْليم: یاد دادن
كاتَبَ: نامه‌نگاری کرد	يُكاتِبُ: نامه‌نگاری می‌کند	كاتِبْ: نامه‌نگاری کن	مُكاتَبَة: نامه‌نگاری کردن
أَجْلَسَ: نشاند	يُجْلِسُ: می‌نشاند	أَجْلِسْ: بنشان	إِجْلاس: نشاندن